

دانشگاه اسلامی: مروری بر فعالیت‌ها و ارائه الگویی برای تحقق

هادی مصدق^۱، محمدحسین سیاح طاهری^۲، جواد پور کریمی^۳

چکیده

هدف این تحقیق، ارائه الگویی جهت دستیابی به روش‌های تحقق دانشگاه اسلامی می‌باشد. از این-رو، این مطالعه به روش کتابخانه‌ای در دو محور انجام گرفته است: ابتدا به بررسی سیر تحولات رخ داده در سه دهه بعد از انقلاب در خصوص فعالیت‌های دستگاه‌های مختلف برای دستیابی به دانشگاه اسلامی پرداخته شد: در محور دوم به دو بعد مفهومی پرداخته شد. که در بعد اول مفاهیم دانشگاه اسلامی و در بعد دوم نحوه طراحی سازمان و دستیابی به نقشه راه حرکت به سمت دانشگاه اسلامی مطلوب، مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که در سه دهه پس از انقلاب اسلامی دستگاه‌های مختلفی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی، مجلس شورای اسلامی، وزارت علوم و برخی موسسات غیر دولتی بیشترین فعالیت‌های را در این مورد داشته‌اند، که نقش هر کدام از این دستگاه‌ها در ادامه تبیین شده است. پس از بررسی تاریخی، به طور مفصل به سه رویکرد فرهنگی، دولتی و دانشگاه‌های مستقل تحول محور به عنوان رویکردهای امکان‌پذیر و مطلوب برای حرکت به سمت دانشگاه اسلامی پرداخته و مقتضیات هر کدام بیان گردیده است.

واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشگاه اسلامی، الگو، دستگاه‌های دولتی، وزارت علوم

hadimosadegh@gmail.com

mhstaheri@gmail.com

jpkarimy@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

^۳ استادیار دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

Islamic University: Activities Review& Design for Establishment

Abstract

This study aim to present an operational plan to materialize the notion of Islamic University. Hence, the necessary library research is carried out on two major aspects, i.e. accurate understanding of Islamic University and Islamic Science as well as system development and devising the road map towards the desired Islamic University. Afterwards, Islamic University, Islamic Science, and how to achieve it are defined. Then, the cultural, governmental, and integrative approaches are discussed thoroughly as the possible routes to Islamic University.

Key Word: University, Islamic University, Pattern

مقدمه:

نهاد دانشگاه در جریان گسترش نظام سرمایه‌داری، به همراه سایر پدیده‌هایی که خاستگاه آن غرب است، به جوامع دیگر منتقل شد و در طول زمان به صورت بخشی از ساختار این جوامع درآمد. در این انتقال اگرچه به تناسب شرایط ساختاری، کارکردهای دانشگاه در محیط اجتماعی بزرگتر تغییر یافت، اما مؤلفه‌های اصلی فرهنگی آن چندان تغییری نکرد. تحقیقات انجام‌شده درباره دانشگاه در جهان سوم نشان می‌دهد که دانشگاه در توسعه و نوسازی، تربیت کادر رهبری و تغییر سیاسی نقش دارد و تحصیلات دانشگاهی به نماد وجهه و منزلت و ارزش‌های اجتماعی و به یک ایده تبدیل می‌شود. با این حال آنچه به صورت تثبیت‌شده در حیات دانشگاهی استمرار دارد "هرچند با کارکردهای متفاوت" ارزش‌ها و باورهای مرتبط با علم است (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۲۴). این ارزش‌ها در جامعه ایران از قدیم الایام ارزش‌های اسلامی بوده‌اند و اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها از زمره مباحثی است که تاکنون جدال‌های نظری و عملی مختلفی را در بین اندیشمندان مسلمان ایجاد کرده است؛ اسلامی‌سازی که در زبان انگلیسی از آن به *Islamization* و در زبان عربی از آن به «اسلمة العلوم» تعبیر می‌شود، نهضتی علمی است که بالاخص در سه دهه اخیر رواج گرفته و سعی دارد دانشگاه‌ها و علوم را به شکلی اسلامی سازد. اگر بخواهیم بین *Islamization* و *Islamification* تمایز قائل شویم، باید گفت اصطلاح اول به اسلامی‌سازی دانش‌ها، و اصطلاح دوم به اسلامی‌سازی جامعه مربوط می‌شود (حقیقت، ۱۳۹۰).

در نگاه کلان، دانشگاه اسلامی یکی از زیرنظام‌های جامعه اسلامی می‌باشد که در تعاملی تگاتنگ با دیگر نظام‌های اسلامی (مدیریت، اقتصاد، آموزش و پرورش و غیره) به اثرگذاری و اثرپذیری می‌پردازد. لیکن واقعیت جامعه ما حکایت از عدم وجود هیچ کدام از نظام‌های اسلامی در سطح کلان جامعه دارد. از این رو برخی دستیابی به دانشگاه اسلامی را بدون وجود دیگر نظام‌های اسلامی غیرممکن و بعضاً منفی پنداشته و معتقد به طراحی همزمان و پیشبرد هماهنگ تمامی نظام‌های لازم و تعریف و برقراری تعامل صحیح میان آنها می‌باشند. بی‌شک اهداف اصلی از طراحی دانشگاه اسلامی نیز جز به این روش محقق نمی‌شود، لیکن واقعیت نشان از آن می‌دهد که این فرایند راهی طولانی در پیش داشته و لذا مجبور به حرکت از جزء به کل بوده به نحوی که بتوان این دوران گذار را سپری کرده و در آینده به کمک نتایج به دست آمده، به طراحی نظام کلان جامعه اسلامی و باز تعریف

جایگاه دانشگاه اسلامی در آن بپردازیم. با این مقدمه به بررسی مقوله دانشگاه اسلامی به عنوان یکی از زیرنظام‌های جامعه اسلامی می‌پردازیم.

با تشکیل و استقلال یافتن کشورهای اسلامی، تلاش برای درک صحیح از مدرسه اسلامی و نیز دانشگاه اسلامی جدی‌تر شد، در این راستا کشورهای تازه تأسیس اسلامی مانند پاکستان، عربستان، اندونزی، مالزی و... که داعی‌ه اسلام‌خواهی و پاسداری از هویت اسلامی داشته‌اند، درصدد تعیین و تأمین ممیزات اسلامی در جامعه خود برآمده و به عنوان یکی از عوامل اساسی تحقق جامعه اسلامی، به بحث درباره نظام آموزش و پرورش اسلامی و دانشگاه اسلامی پرداختند. نخستین اجلاس آموزش و پرورش اسلامی در پاکستان تنها چند ماه پس از استقلال آن کشور در دسامبر ۱۹۴۷ میلادی برپا شد. اولین اجلاس جهانی در این خصوص در مکه و در ۱۹۷۷ میلادی برگزار شد و جلسه‌های بعدی به تدریج در اسلام آباد (۱۹۸۰)، داکا (۱۹۸۱)، جاکارتا (۱۹۸۲) و... تشکیل شدند (صفایی مقدم، ۱۳۸۰). تأسیس جمعیت جامعه‌شناسان مسلمان در کانادا و آمریکا (۱۹۷۲)، تشکیل کنفرانس جهانی اقتصاد اسلامی در عربستان (۱۹۷۷) و تأسیس دانشسرای اسلامی در علیگره هند (۱۹۲۰) که بعدها به دانشگاه تبدیل شد و ایجاد موسسه جهانی اندیشه اسلامی^۴ توسط مسلمانان در مالزی و آمریکا از سایر اقدامات جهانی در این رابطه محسوب می‌شوند (دژاکام، ۱۳۸۲: ۵۳).

اهداف تحقیق:

- ۱- بررسی مفهوم دانشگاه اسلامی
- ۲- بررسی سیر تاریخی اقدامات دستگاه‌های دولتی ایران برای تحقق دانشگاه اسلامی (بعد از انقلاب اسلامی)
- ۳- بررسی راهکارهای موجود برای نیل به این هدف

مفهوم دانشگاه اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، بحث اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها و نظام آموزشی در صدر دغدغه‌های انقلابیون مسلمان قرار گرفت و حضرت امام خمینی (ره) آن را با جدیت طرح و پیگیری نمودند. ایشان با درک عمیق از تأثیرات دانشگاه، در پیام نوروز سال ۵۹

^۴المعهد العالمی للفکر الاسلامی

خواسته خود را از دانشگاه‌ها این گونه مطرح نمودند: "باید انقلابی اساسی در تمامی دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید" (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۰۷). متعاقب با این پیام، حضرت امام با صدور حکمی مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۳ ستاد انقلاب فرهنگی را تشکیل داده، آن را به اسلامی کردن دانشگاه‌ها مأمور نمودند (خان‌محمدی، ۱۳۸۵). حضرت امام در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود "نجات دانشگاه از انحراف را نجات کشور و ملت بر شمرده‌اند" (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۸). در جای دیگری ایشان می‌فرمایند "دانشگاه را باید شما روبه خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همه درس‌ها هم خوانده بشود، همه درس‌ها هم برای خدا خوانده بشود. اگر این را توانستید که شما برای این کار بروید و این کار را بکنید، در کارتان موفقید" (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۴۸). لذا می‌توان به حساسیت معمار کبیر انقلاب نسبت به دانشگاه و نقش آن در جامعه پی برد و اینکه ایشان تا چه حد بر این نقش و الهی بودن و معنوی بودن و در یک کلام اسلامی بودن آن تاکید داشتند.

از آن زمان تاکنون تعاریف مختلفی از علم اسلامی و دانشگاه اسلامی ارائه شد، اما متأسفانه هنوز بر سر تعریف و شاخص‌های اسلامی شدن اجماع حاصل نشده است (مقیسه، ۱۳۸۴: ۸۹). در اینجا از بین برداشته‌های مختلف دانشگاه اسلامی تعریفی را می‌پذیریم که به دو جنبه ظاهری و باطنی توجه دارد؛ جنبه ظاهری مربوط به اموری است که چهره و ظاهر اسلامی دانشگاه را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال اگر در دانشگاه شعائر اسلامی مورد توجه و اهتمام باشد و در مجموع سلوک عمومی برخلاف مسلمات اسلامی نباشد. جنبه دوم که زیربنایی است توجه به علم است، به نحوی که وسیله و ابزاری برای رسیدن به قرب الهی و معنویت مورد استفاده قرار گیرد. یعنی ضمن تقویت روحیه علمی و پرورش استعدادها، پرورش یافتگان آن متخصصان متعهد و دارای روحیه معنوی و اخلاق اسلامی باشند (مروتی، ۱۳۷۶: ۱۱۰). این تعریف هم سلبی است و هم ایجابی. از این جنبه که نگاه‌های سطحی به دانشگاه اسلامی (از جمله صرف محدود کردن اسلامی شدن دانشگاه‌ها به جدایی دختر و پسر) را نمی‌پذیرد سلبی بوده و از این رو که به طور ضمنی به نحوه شکل‌گیری دانشگاه اسلامی می‌پردازد ایجابی است.

علاوه بر این، چارچوب تعریف ارائه شده، مورد پذیرش بسیاری علمای اسلامی نیز هست؛ برای مثال حضرت آیت الله جوادی آملی در کتاب "منزلت عقل در هندسه معرفت دینی" با بیان این که حرف اول و آخر را در دانشگاه‌ها علم و دانش می‌زند معتقدند:

"با توصیه و بخشنامه و نمازخانه ساختن و تاکید بر ظواهر شرعی، نمی‌توان علوم دانشگاه‌ها را اسلامی کرد، هر چند ممکن است فضای غالب و جو حاکم بر آن اسلامی شود و دانشجویان متدینی از تحصیلات عالی دانشگاه فراغت یابند. اما باید عنایت کرد که دانشی اسلامی است که مرکز یادگیری خود به نام دانشگاه را اسلامی خواهد کرد نه عکس آن ... همگان معترفند که حوزه‌های علمیه، اسلامی است. آیا اسلامی بودن آن به این دلیل است که در محیط حوزه، مسجد و حسینیه وجود دارد و اقامه نماز و دعا می‌شود و زن و مرد طلبه از هم جدا هستند؟ با اینکه همه امور حق و لازم است ولی واقعیت این است که حوزه‌های علمیه از این رو اسلامی هستند که علم رایج در آن اسلامی است. اسلامی شدن دانشگاه‌ها به آن است که نگاه به محتوای علمی دروس آنها عوض شود و علوم دانشگاهی اسلامی گردد" (آیت الله جوادی آملی نقل شده در قره‌شیخ بیات، ۱۳۸۸: ۲).

همچنین تعریف فوق به نحوی با دیدگاه آیت اله مصباح یزدی که بر رابطه علم و نظام ارزشی تاکید دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱) مطابقت دارد و در واقع ساختار، محتوا و نحوه رفتار اسلامی است که با مبانی ارزشی اسلام و اصول عقلانی در تناقض نبوده و در صورت امکان دارای تأییدات

تجربی هم باشد. البته در رویکردی دقیق‌تر به علم اسلامی نقش بی‌بدیل انسان و نحوه ادراک وی در تولید علم را نیز می‌توان در نظر گرفت (گروه نویسندگان به نقل از ابوعلی سینا، ۱۳۷۲). لذا می‌توان اذعان داشت که برای استقرار دانشگاه اسلامی توجه به چهار مقوله کلیدی محتوا^۵ (علم)، نیروی انسانی^۶ (دانشجو، استاد و کارمند)، نظام^۷ و محیط کالبدی (فضا^۸) ضروری است. به عبارت دیگر نظام به ساختارها و فرایندها، نیروی انسانی به ادراک و رفتار و محتوا به موضوع مورد انتقال اشاره دارد که می‌توان این عناصر را در خصوص دانشگاه اسلامی به صورت شکل زیر نمایش داد:

⁵ Content

⁶ Human Recourse

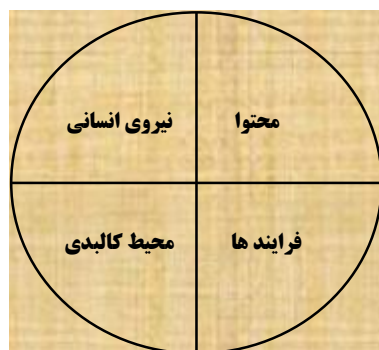
⁷ System

⁸ Space

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳



شکل ۱. ابعاد دانشگاه اسلامی

بنابراین حداقل شرایط لازم برای دستیابی به آرمان دانشگاه اسلامی، بررسی و ملحوظ نمودن جنبه‌های فوق می‌باشد. جنبه اول محتوای علمی است که شرح آن در قسمت قبل به اختصار ذکر شد، جنبه دوم اشاره به نیروی انسانی حاضر در دانشگاه اعم از استاد و دانشجو و... و فضای فرهنگی حاکم بر آنهاست و جنبه سوم که نظام نام گرفته، شامل: قالب، ساختار، مجموعه قوانین و به طور خلاصه تمامی عواملی می‌شود، که در یک کل منسجم با یکدیگر در ارتباطند (الوانی، ۱۳۸۸) و جنبه چهارم به محیط فیزیکی و کالبدی دانشگاه اشاره دارد. در ادامه تلاش می‌کنیم که به صورت اجمالی به عملکرد نظام جمهوری اسلامی در هر یک از این ابعاد اشاره کرده، ضمن آن راهکارهای پیشنهادی خود را نیز ارائه کنیم. البته بعد چهارم که به محیط فیزیکی و کالبدی دانشگاه اشاره دارد به جهت موضوعیت سخت‌افزاری که دارد در این نوشتار مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

فعالیت‌های صورت گرفته در خصوص اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها در ایران (بعد از انقلاب اسلامی تا کنون):

از ابتدای انقلاب اسلامی، اقدامات زیادی برای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها انجام شده که در این مقاله با تسامح تمامی اقدامات ذیل سه عنوان کلی قرار می‌گیرد.

۱- تاسیس مراکز علمی و انجام فعالیت های پژوهشی

تاسیس مراکز علمی مانند دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه باقرالعلوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که اغلب در آن دانشجویان به صورت تلفیقی دروس حوزی و دانشگاهی را با هم مطالعه می‌کردند و نیز اساتید فعالیت‌های پژوهشی بین‌رشته‌ای انجام می‌دادند از زمره این اقدامات محسوب می‌شوند. همچنین اجرای چند طرح پژوهشی از جمله «راهکارهای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها» توسط معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری که نتایج آن در زمستان ۱۳۷۵ انتشار یافت و متعاقب با آن انتشار فصلنامه «دانشگاه اسلامی» به عنوان ابزار علمی دستور مذکور، جهت جمع‌آوری آرا و نظرات مختلف، صورت‌بندی مسائل و ارائه راهکارهای علمی، از دیگر اقدامات در این زمینه‌اند. این اقدامات اگرچه آغاز خوبی بود لیکن همان طور که بیم آن می‌رفت با مرور زمان دچار روزمرگی شدند و کم‌کم از هدف خود که پیگیری اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها بود فاصله گرفتند و به مراکز علمی و آموزشی شبیه به سایر مراکز موجود در کشور تبدیل شدند. برای مثال بررسی فصلنامه دانشگاه اسلامی که قرار بود به نحوی کاربردی و تخصصی به پیگیری اسلامی‌شدن بپردازد به نشریه علمی-پژوهشی تبدیل شد، که یک بررسی ساده نشان می‌دهد که اساساً درصد قابل توجهی از مقالات آن کاملاً با اهداف نشریه نامرتب می‌باشد (مصدق، ۱۳۸۶).

در سویی دیگر در سال ۱۳۵۹ جهاد دانشگاهی به عنوان نهادی تحت نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس و فعالیت‌های آن بر اساس اساسنامه بر سه محور اصلی آموزش، پژوهش و فعالیت‌های فرهنگی متمرکز است و در ابتدای شکل‌گیری و سال‌های پس از آن بر فعالیت‌های فرهنگی متمرکز بوده و در درون دانشگاه برنامه‌های فرهنگی متعدد و متنوعی را ساماندهی و اجرا می‌نموده در سال‌های اخیر تمرکز خود را بر فعالیت‌های پژوهشی نهاده است (سایت جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰).

مروری بر مجموعه فعالیت‌های جهاد دانشگاهی در سایت رسمی جهاد دانشگاهی نیز نشان می‌دهد که جهاد دانشگاهی که طبق اساسنامه موظف بود در راستای اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها نقش مؤثری داشته باشد (سایت جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰)، با تمرکز بر فعالیت‌های پژوهشی مرسوم، کم‌کم از هدف اصلی شکل‌گیری خود فاصله گرفته، به نحوی که هم اکنون تولیدات علمی با رویکرد اسلامی از این نهاد مشاهده نمی‌شود.

۲- تاسیس نهادهای سیاست‌گذار

مهم‌ترین نهاد متولی موضوع اسلامی‌شدن، شورای عالی انقلاب فرهنگی است که حضرت امام خمینی (ره) در ۱۳۵۹/۳/۲۳ فرمانی را مبنی بر تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی صادر نمودند و در رابطه با شرح وظایف این شورا بر «برنامه ریزی رشته‌های مختلف»، تعیین «خط‌مشی فرهنگی آینده دانشگاه‌ها»، گزینش «ساتید شایسته، متعهد و آگاه» و «دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامی» تأکید کردند. در شورای انقلاب فرهنگی برای تحقق این امر شوراهای دیگری تشکیل شد که به اختصار به آنها می‌پردازیم.

۲-۱- شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی

پس از تذکر مقام معظم رهبری در خصوص عدم تحقق آرمان دانشگاه اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در سال ۱۳۷۶ اقدام به تشکیل شورای تخصصی «اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی» نمود. اعضای این شورا را، وزرای سه‌گانه آموزش، رئیس جهاد دانشگاهی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، و برخی شخصیت‌های حقیقی دیگر تشکیل می‌دادند (روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵: ۱۴۷). نتیجه نشست‌ها و جلساتی که توسط اعضای این شورا برگزار شد منجر به استخراج سیاست‌های راهبردی اسلامی‌شدن در شش مؤلفه و پنجاه بند گردید. مجموع پنجاه راهبرد اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها در ۲۶۷ سیاست اجرایی نیز تعریف شده است (روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳: ۶۴-۲۱)؛ در واقع سیاست‌های اجرایی تعاریف عملیاتی راهبردها است که اجرای آنها را برای مدیران تسهیل می‌کند. اگرچه این سیاست‌ها در سال ۱۳۷۹ به تصویب شورای عالی رسید، لیکن وجود اشکالات فراوان بر آن و سؤالات زیادی که بر آن وارد بود به همراه تعلل‌های مجموعه، باعث شد شورا عملاً نتواند در دستیابی به اهداف مورد نظر خود موفق شود. دبیرخانه شورای اسلامی‌شدن از ابتدای در وزارت علوم مستقر شده و متولی پیگیری این امر با آن وزارتخانه بود، لکن در سال ۱۳۸۴ دبیرخانه شورا از وزارت علوم به معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها منتقل شد. در سال ۱۳۸۶ با راه‌اندازی سایت شورا، و معاونت‌های مربوطه، شورا فعالیت خود را افزایش داد، لکن فعالیتهای این شورا نیز در چهارچوب محدودیتهای مالی و تشکیلاتی نهاد قرار گرفته، به

نحوی که فعالیت چندانی از آن دیده نشده و همچنان حتی در اذهان دانشجویان و اساتید ذغدغه مند، نیز نا آشناست.

۲-۲- شورای تخصصی تحول و نوسازی نظام آموزشی

پیرو رهنمودهای مقام معظم رهبری در آذر ماه سال ۱۳۸۴ در ارتباط با بحث تولید علم و جنبش نرم‌افزاری، شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام به تشکیل شورای علمی- پژوهشی جنبش نرم‌افزاری و تولید علم کرد. این شورا در سال ۱۳۸۶، با نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای تخصصی «تحول و نوسازی نظام آموزشی کشور» تغییر نام داد و وظیفه تحول و نوسازی نظام آموزشی کشور (اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی) با مشارکت دستگاه‌ها و صاحب‌نظران و نظارت عالی را بر عهده گرفت. بررسی سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، و دیگر اسناد موجود، فعالیت کمرنگ رسانه‌ای این شورا را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد این شورا بیشترین فعالیت خود را به برگزاری جلسات بررسی و نقد کلی برنامه‌های آموزشی وزارتخانه‌ها، بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و ارائه دستورالعمل‌های کلی اختصاص داده است (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹).

۲-۳- شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۵۰ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۱ با هدف ایجاد تحول در علوم انسانی و به منظور طراحی، سازماندهی، برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت و تمرکز بیشتر بر تحول علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی آیین‌نامه تشکیل «شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی» را تصویب کرد. در این آیین‌نامه تدوین و تصویب اولویت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب آموزشی و پژوهشی در دو سطح آموزش عالی و آموزش و پرورش، نظارت راهبردی و مؤثر بر فعالیتهای آموزشی و پژوهشی نهادهای فعال در حوزه علوم انسانی، اتخاذ تدابیر لازم برای تقویت آموزش و پژوهش در سطح نهادهای علمی، تدوین ضوابط لازم برای منطقی و متوازن ساختن کمیت پذیرش دانشجوی، فراهم کردن سازوکارهای لازم برای فعالیتهای علمی مشترک میان دانشگاه و حوزه در علوم انسانی و... از جمله وظایف و اختیارات شورای تخصصی تحول و ارتقا علوم انسانی ذکر شده است (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹). این شورا که هم از حیث وظایف و هم اعضا مشابهت و اشتراکات زیادی با شوراهای فوق‌الذکر دارد در مدت دوساله تاسیس خود

هنوز نتوانسته جریانی فراگیر را پیرامون اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها (حداقل در عرصه متون علوم انسانی) ایجاد کند که امید است در ادامه اقدامات و نتایج بیشتری از فعالیت‌های این شورا مشاهده شود.

۲- فعالیت‌های فرهنگی درون دانشگاهی

بنا به یکی از متداول‌ترین تعاریف از اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، «دانشگاه اسلامی جایی است که ارزش‌های حاکم در آن ارزش‌های اسلامی باشد و اصول تبعیدی و اعتقادی و عملی اسلام در محیط دانشگاه به صورت ارزش درآمد، باشد» (علم‌الهدی، ۱۳۸۲: ۲۷). بنابراین بدیهی است که اقدامات مختلفی برای اسلامی‌کردن فرهنگ نیروی انسانی دانشگاه اعم از استاد و دانشجو انجام شده باشد. اغلب فعالیت‌های نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و کلیه اقدامات در راستای تبلیغ

۱- رعایت ظواهر اسلامی و نمادهای اسلامی مانند حجاب، پوشش، نماز، رعایت حریم زن و مرد و..

۲- نقش الگوی دینی و مسئولیت داشتن در برابر دیگران

۳- رعایت تهذیب در کنار علم.

۴- آشنایی با دین در حد رفع نیازهای عمومی و تخصصی (علی‌احمدی، ۱۳۸۱: ۳۴-۲۸) در قالب دروس معارف از این زمره‌اند. این اقدامات که اگرچه لازم و در بسیاری موارد در اسلامی‌تر کردن فضای دانشگاه‌ها موفق بوده‌اند اما نقایصی دارد که مهم‌ترین آن پراکنده کاری است. تنوع فراوان فعالیت‌های فرهنگی با رویکرد اسلامی از برگزاری مراسم دعا، کارگاه مهدویت و اعزام به عمره دانشگاهیان گرفته تا تفکیک جنسیتی و همایش حجاب و عفاف، باعث شده که هر یک از نهادها " که تنوع زیادی هم دارند" اسلامی‌شدن را در مقوله‌ای جستجو کند و بر موضوعی خاص پافشاری کند. این است که مجموعه اقدامات برآیندی مشخص و هم‌جهت در راستای مد نظر اسلامی‌شدن پیدا نکرده است.

راهکارهای نیل به دانشگاه اسلامی

در اینجا لازم است تأکید شود که "اسلامی‌شدن دانشگاه، هم بر حسب سرشت امور دینی و هم بر حسب طبیعت نهاد دانشگاه تنها به عنوان فرایندی درون‌زا، دراز مدت و

فرهنگی و یک حرکت طبیعی و جوهری، معقول به نظر می‌رسد" (توفیقی و همکاران، ۱۳۸۳). بنابراین این رویکرد در کل مقاله همواره مورد توجه بوده و با لحاظ فرهنگی بودن تغییرات بنیادین و اساسی، لازم است که به این مسأله توجه لازم انجام شود. با توجه به روند کلی اقدامات گذشته، سه راهکار مجزا که امکان و مطلوبیت تلفیق آن سه نیز وجود داشته ارائه می‌شود:

الف) راهکار مدیریتی^۹

- به طور کلی مراحل رسیدن به سیستم ایده آل دانشگاه اسلامی و تربیت نیروی انسانی متخصص آن، شامل ۲۶ مرحله زیر است:
- ۱- تهیه نقشه راه (مراحل حرکت)
 - ۲- تعیین اهداف کلان دانشگاه مورد نظر بر اساس دو مولفه:
الف- مبانی فلسفی و دینی دانشگاه اسلامی
ب- نیازهای روز جامعه
 - ۳- تهیه نقشه دستیابی به هر کدام از اهداف کلی مشخص شده (که این نقشه شامل صدها سؤال پژوهشی می‌باشد که مسیر دستیابی به اهداف کلی مشخص شده را هدایت می‌کند).
 - ۴- انجام طرحهای پژوهشی فوق با نظارت یک تیم واحد متخصصین علم دینی (سلیمی، ۱۳۷۹).
 - ۵- تعیین اهداف جزئی بر اساس اهداف کلی و نتایج تحقیقات آن.
 - ۶- تهیه نقشه دستیابی به هر کدام از اهداف جزئی مشخص شده (که این نقشه شامل صدها سؤال پژوهشی می‌باشد که مسیر دستیابی به اهداف جزئی مشخص شده را هدایت می‌کند).
 - ۷- تعیین نتایج خروجی و اهداف عملیاتی بر اساس اهداف جزئی و نتایج تحقیقات انجام شده.
 - ۸- بررسی شناخت دقیق قالب دانشگاه و اثرات آن (به منظور استفاده هوشمند و عدم کپی برداری محض برای طراحی سازمان).

⁹ Managerial Strategies

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

۹- تعیین جدول زمانی و مشخص کردن اهداف کلی و جزئی و عملیاتی هر دوره.
۱۰- طراحی سازمان (بر اساس نتایج حاصل از تعیین اهداف کلی و جزئی و عملیاتی و نتایج دوره) که شامل ۵ بخش می شود:

قابل ذکر است که در این مرحله هیچ نیازی به الگو برداری از سیستم دانشگاه نمی- باشد و آنچه که هدایت‌گر و خط دهنده می‌باشد اهداف کلان و جزئی است که در مراحل قبل به دست آمده است و نگاه به نظام دانشگاه‌های موجود فقط به منظور ایده گرفتن می- باشد.

۱- تقسیم کار

۲- تعیین نقشها و پستهای سازمانی

۳- مشخص کردن وظایف هر شغل

۴- تعیین شرایط احراز هر شغل و تعداد نیروی لازم برای آن.

۵- برقراری رابطه صحیح میان بخشهای مختلف در راستای دستیابی به اهداف مد نظر سازمان (علاقه بند، ۱۳۸۲)

تعیین نوع رابطه بخشهای مختلف، کاملاً بر اساس اهداف کلی و جزئی و عملیاتی مشخص شده می باشد، نوع رابطه ایجاد شده که طبق ادبیات حاکم بر مباحث مدیریت کنونی، بیش از ۲۰ مدل مختلف را برای آن می توان لحاظ کرد، تأثیر فراوانی بر نوع تعاملات داشته و بنابراین لازم است که حتماً بر اساس اهداف طراحی گردد.

۱- طراحی نظام جامع منابع انسانی بر اساس اهداف مورد نظر که شامل موارد زیر است:

۲- مشخص کردن صلاحیت‌های (عمومی و تخصصی) نیروی انسانی لازم در سه سطح: اساتید، کادر آموزشی و کادر خدماتی بر اساس اهداف بدست آمده و وظایف هر شغل، به همراه شاخصها و ابزار تشخیص صلاحیت آنها.

۳- بررسی وضعیت موجود نیروی انسانی دانشگاه‌ها، به منظور تربیت و استخدام نیروی انسانی مورد نیاز.

۴- تدوین نظام دقیق استخدام

۵- تدوین نظام تنبیه و پاداش مناسب

۶- تدوین نظام مدیریت عملکرد مناسب (میرکمالی، ۱۳۸۱).

- ۷- مشخص کردن صلاحیت‌های (عمومی و تخصصی) محصلان ورودی، به همراه شاخصها و ابزار تعیین آن.
- ۸- انتخاب رشته یا رشته‌های تحصیلی مناسب برای شروع کار (در صورتی که نتایج تحقیقات پیشین، قائل به تفکیک رشته‌ها شده باشد، که در این صورت لازم است، مطابق برنامه ارائه شده به تدوین رشته‌های بیان شده پرداخت).
- ۹- بررسی و تعیین جایگاه دانشگاه در محیط کنونی (جامعه موجود) و نحوه تعامل آن با دستگاه‌های مختلف داخلی و خارجی.
- ۱۰- برآورد هزینه‌های طرح و منابع تأمین مالی دانشگاه.
- ۱۱- بررسی موانع درونی و بیرونی احتمالی در مسیر اجرا و برنامه ریزی جهت رفع آنها.
- ۱۲- بررسی منابع و امکانات موجود برای اجرای طرح.
- ۱۳- طراحی نظام جامع ارزیابی دانشگاه و نیروی انسانی و دانشجویان بر اساس، اهداف، ملاک‌ها و معیارهای دانشگاه طراحی شده.
- ۱۴- بازبینی و به نقد گذاشتن طرح اولیه تهیه شده در میان متفکران و اساتید صاحب نظر و استخراج نقاط ضعف و نقاط مبهم طرح به منظور تعریف طرح‌های پژوهشی مناسب جهت اجرا و اصلاح طرح.
- ۱۵- اجرای آزمایشی در یک دانشگاه خاص (و یا در صورت نیاز ساخت یک دانشگاه ویژه) با فراهم کردن تمامی شرایط لازم.
- ۱۶- نظارت مداوم بر اجرای صحیح طرح و استخراج نقاط ضعف و ابهام آن، تعریف مشکل و پاسخگویی سریع و علمی و دقیق به آن و اصلاح طرح.
- ۱۷- ارزیابی اولیه و نهایی وضعیت محصلان و مقایسه با اهداف مورد نظر و تعیین درصد موفقیت.
- ۱۸- بررسی وضعیت پیامدهای دانشگاه و مقایسه با اهداف مورد نظر و تعیین درصد موفقیت.
- ۱۹- مشخص کردن درصد موفقیت اهداف مختلف و دلایل ناکامی آن به تفکیک موضوع و علت.
- ۲۰- بررسی مشکلات موجود و بازبینی و اصلاح مجدد طرح.

۲۱- چندین مرحله اجرا و بازبینی هوشمندانه طرح و رسیدن به نقطه ثبات، به منظور ایجاد امکان پیاده سازی با احتیاط کامل و به طور مرحله، مرحله طرح و تسری آن در سطح کشور.

چند نکته

- قابل ذکر است که ارزیابی طرح، امریست که علاوه بر برخی مراحل خاص، همچون روحی واحد بر کل مجموعه حاکم می باشد.
- قبل از اجرای طرح‌های تحقیقاتی که در مراحل فوق به آنها اشاره شده و لزوم هدایت آنها از طریق یک تیم واحد بیان شد، لازم است که تیم واحد بر روی روش تحقیق مناسب که مبتنی بر دیدگاه‌های اسلامی می‌باشد به اتفاق نظر رسیده و همکاران تیم نیز، آموزش‌های لازم را فرا گرفته باشند.
- با توجه به گسترده بودن دامنه بحث و تعداد بالای پژوهش‌های مد نظر، لزوم وجود تیمی واحد برای ایجاد هماهنگی بین پژوهش‌های اجرا شده احساس می شود، علاوه برآن باید توجه شود که سیر طولانی در نظر گرفته شده نباید منجر به فرسایش طرح شده به نحوی که عملاً آن را به تعطیلی بکشاند.
- در طراحی سازمان می توان از مباحث مدیریت اسلامی و مدیریت آموزشی از دیدگاه اسلام نیز استفاده کرد.
- در تهیه نقشه دستیابی به اهداف کلی دانشگاه اسلامی و استخراج سؤالات پژوهشی لازم، باید از تمامی متخصصان امر (فیلسوف، جامعه شناس، روان شناس، اقتصاد دان، پزشک، فیزیولوژیست، هنرمند، مدیر آموزشی، حقوقدان، معمار، استراتژیست، و غیره) که به مباحث اسلامی نیز تسلط دارند، بهره گرفت تا نقشه کاملی از تمامی سؤالاتی که لازم به بررسی می باشد در اختیار قرار گرفته و تمامی زمینه‌های آن مورد نظر واقع شود، به نحوی که به طور مثال نتایج تحقیقات قادر به بیان رویکرد لازم پیرامون معماری مناسب و یا تغذیه درست در دانشگاه اسلامی باشد.

ب) راهکار فرهنگی^{۱۰}

آنچه که غایت دانشگاه اسلامی می باشد، ارتقای جایگاه مسلمین در عرصه های علم دینی و ارائه روشهای پیشرفته زندگی دینی در عصر جدید، می باشد. علمی که توانسته باشد در عین دینی بودن با علوم دیگر به رقابت پرداخته و کارائی خود را اثبات کند. از این رو چنانچه معتقدیم که به واقع دانشگاه اسلامی حلال تناقضات رخ داده در زندگی مسلمانان کنونی می باشد، این مهم باید در یک فرایند فرهنگ سازی مناسب به عنوان دغدغه اصلی اندیشمندان دنیای اسلام قرار گرفته، به فرهنگ عمومی مسلمانان تسری یافته، به نحوی که به صورت یک خواست عمومی و همگانی تبدیل شود. در چنین وضعیتی از یکسو گروه های متعدد خود جوش علمی، به تکاپو برخاسته به برطرف کردن نیازهای مسلمانان در سطوح دانشی مختلف می پردازند و از طرفی دیگر فرهنگ حاکم بر مسلمانان و مردم عادی که به خوبی نقصان موجود را احساس می کنند، نسبت به تولیدات این علم ابراز تمایل کرده، حاضر به پرداخت هزینه های دستاوردهای علمی اسلامی بوده و از تولیدات آن در زندگی خود بهره می برند. این مهم چرخه سه مرحله ای شکل گیری سازمان یعنی: طراحی، اجرا و ارزشیابی (پروند، ۱۳۸۵) را فعال کرده و به شرط حمایتیهای نهادهای دینی معتبر و متخصص، در بلند مدت منجر به اصلاح تولیدات علمی اسلامی و ناب تر شدن آن می گردد.

نقش دولت در این زمینه فرهنگ سازی در زمینه تبیین ریشه‌ای مشکلات علمی کشور و معرفی علم اسلامی به عنوان تنها راهکار موجود از طریق زیر قابل تحقق است:

- ۱- برگزاری کرسی های آزاد اندیشی در دانشگاه ها و عمومیت بخشی به آن از طریق صدا و سیما
- ۲- سیاستهای حمایتی در انتشار ادبیات علوم انسانی مورد نظر از طریق دیگر رسانه ها از جمله روزنامه ها و سایتها و غیره
- ۳- تأسیس مراکز علمی معتبر با رویکرد اسلامی جهت راهنمایی و مشاوره به انجمنها و سازمانهای مردم نهاد
- ۴- سیاستهای حمایتی از انجمنهای علمی دانشگاهی و سازمانهای مردم نهاد جهت پرداختن به مقوله علم اسلامی

¹⁰ Cultural Strategies

۵- تأسیس و راه اندازی مکانیزم‌های مناسب جهت حمایت و انتشار و توسعه تولیدات اسلامی

ج) راهکار الگوسازی^{۱۱} (تأسیس دانشگاه‌های مستقل تحول محور):

چنانچه مأموریت کنونی دانشگاه اسلامی را قالب شکنی و در انداختن طرح‌های جدید با رویکرد اسلامی بدانیم، به این واقعیت اقرار خواهیم داشت که دستیابی به این هدف، نیازمند پیمودن راهی پر پیچ و خم و طولانی است. مسیری که نیازمند انجام تحقیقات بسیار و به همراه آن اجرای ایده‌های جدید و ارزیابی دقیق و پویای نظریه‌های تربیتی بیان شده می‌باشد. از این رو با توجه به طولانی بودن راه (مسیری که برای اولین بار قرار است پیموده شود)، دستیابی نظام تعلیم و تربیت برآمده از آموزه های اسلام که علاوه بر دینی بودن، توانایی انطباق با نیازهای روز و پایداری در دنیای متغیر کنونی را داشته باشد، نیازمند مطالعات فراوان و سعی و خطاهای بسیار می باشد، که چنانچه قرار باشد این فرایند طولانی فقط به صورت متمرکز انجام گردد، هم نشدنی بوده و هم آسیبهای فراوانی را به همراه خواهد داشت، که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- با توجه به محدودیت عملی وزارت علوم در به اجرا در آوردن یکی از برنامه های تحول، این امر منجر به محدودیت شدید ایده ها و نظریات نهایی برای اجرا شده و علاوه بر آن افول ایده پردازی جدید را در افراد به همراه خواهد داشت.
- ۲- متمرکز عمل کردن و عمومیت بخشیدن به تغییرات می تواند، اعتراضات گروه های علمی مخالف تغییرات رخ داده را به همراه داشته باشد.
- ۳- در صورت تقید وزارت علوم به ایجاد اصلاحات پویا و به روز، این امر منجر به ایجاد تکانه های پی در پی در کل سیستم آموزشی دانشگاه‌ها خواهد شد، از جایگاه نظری نیز اساساً تعمیم دادن سیستمی که هنوز دوران آزمایشی خود را به پایان نرسانده و اشکالات آن برطرف نشده، به کل سیستم، می‌تواند آسیب‌های فراوانی را به همراه خود بیاورد. این نقیصه خود یکی از دلایلی است که اینرسی سیستم‌های بزرگ را بالا برده، به شدت سرعت انجام تغییر و مشاهده و بررسی مجدد آن و تغییر مداوم را کاهش می دهد.

¹¹ Modeling Strategies

۴- در دنیای کنونی جهت دستیابی به نظریه‌های برتر، هیچ‌گاه کل نظام را وارد ورطه آزمایش نکرده، و بررسی اندیشه‌های جدید و نوین را به واحدهای کوچک و مطالعات موردی می‌سپارند (لوی ترجمه مشایخ، ۱۳۸۰). این مهم علاوه بر این که نظام دانشگاهی را از ورود به تغییراتی که هنوز کارائی خود را اثبات نکرده اند، نجات می‌دهد. زمینه را برای رخداد هم زمان چندین طرح پژوهشی آزمایشی در واحدهای کوچک فراهم می‌آورد.

۵- تاریخ اندیشه‌های تربیتی نشان می‌دهد که مربیان موفق و تأثیرگذار تعلیم و تربیت چون کومنیوس، فروبل، پستالوژی و جان دیویی اندیشه‌های تربیتی و اصلاح‌گرایانه خود را ابتدا در مدرسه‌ها و آموزشگاه‌های خود تأسیس، به‌بوته اجرا و عمل نهاده و به بازنگری آنها پرداخته‌اند؛ سپس موفقیت این مدارس و نهادهای تربیتی، موجب سرایت ایده‌های تربیتی آنها به کل جامعه یا چه بسا جهان شده است. برای مثال، در تاریخ تعلیم و تربیت، برای نخستین بار فروبل، مربی آلمانی به فکر تأسیس کودکستان برای کودکانی که هنوز به سن مدرسه نرسیده بودند، افتاد. موفقیت او در اجرای این ایده، موجب نشر ایده او در همه جوامع شد. یا موفقیت پستالوژی مربی سوئسی در تأسیس آموزشگاه برای کودکان یتیم و بی‌سرپرست، موجب شهرت و آوازه جهانی او به واسطه وام گرفتن از ایده‌اش شد. یا جان دیویی مربی و فیلسوف تربیتی امریکایی، نظریه‌های تربیتی اش را ابتدا در مدرسه آزمایشگاهی اش، آزمود و سپس جریان‌های تربیتی دیگر چون پیشرفت‌گرایی اندیشه و عمل او را الگوی خود قرار دادند (نقیب زاده، ۱۳۸۴).

۶- به اذعان بسیاری از اندیشمندان، مواجهه رقابتی با اندیشه‌های غالب مدرنیته که به صورت سیستماتیک تمامی عرصه‌ها را در بر گرفته است، با ایجاد تغییرات جزئی در تک مولفه‌های یک سیستم آموزشی نه تنها نتیجه چندان امیدوار کننده‌ای نخواهد داشت، بلکه عدم هماهنگی با دیگر مولفه‌های درون سیستمی منجر به رخداد پدیده‌های جدیدی خواهد شد که به گواهی تاریخ در بسیاری از موارد در خلاف مسیر اهداف اسلامی می‌باشد. دانشگاه‌های مستقل تحول محور با توجه به حیطه اختیارات لحاظ شده، این امکان را دارند که بر اساس مبانی فلسفی و روانشناسی خود به باز طراحی یک نظام و سیستم کاملاً جدید تعلیم و تربیت در یک محیط کوچک و

آزمایشی پرداخته و به صورت سیستماتیک به مواجهه با مدارس نوین کنونی بپردازند. کاملاً واضح است که در چنین طرح جدیدی تمامی مولفه‌های مورد نظر از همبستگی درونی بالایی برخوردار بوده امکان تجربه یک دانشگاه دینی جدید را پدیدار می‌آورد.

۷- متأسفانه در جوامع متمرکزگرایی چون جامعه ما، نظریه‌ها و دیدگاه‌های تربیتی بدون گذر از مرحله اجرای آزمایشی و بازنگری خردمندان، بصورت سراسری به اجرا گذاشته می‌شوند که اغلب به دلیل لحاظ نکردن اقتضائات عملی با شکست مواجه شده و موج تغییرات آنها، چه فرصت‌ها و هزینه‌های فراوانی را بر جامعه بار می‌کند. نمونه آن را می‌توانیم در تغییر نظام آموزش و پرورش به نظام جدید و نظام قدیم، بحث پیش دانشگاهی، تعطیلی دانشگاه‌ها در سال ۱۳۵۸ و غیره مشاهده کرد.

راهکار پیشنهادی:

مجموعه دلایل بیان شده، پیشنهاد تأسیس دانشگاه‌های مستقل تحول محور را در کنار نظام یکپارچه آموزشی کنونی پیش‌روی ما می‌گذارد. بر اساس این پیشنهاد، وزارت علوم به تعداد بسیار محدودی از دانشگاه‌ها که صلاحیت علمی و تئوریک لازم خود را (هم از منظر اسلامی و هم علم روز) جهت راهبری نظری و عملی دانشگاه به اثبات رسانده و مجوزهای لازم را از مراجع صلاحیت دار اخذ کرده باشند، اختیارات و مسئولیت‌های لازم جهت عملیاتی کردن ایده‌های نو و علمی خود را می‌دهد. این گونه دانشگاه‌ها موظف به رعایت مجموعه قوانین وزارت علوم و پیروی از برنامه‌های مشترک آن نیستند، اما لازم است که مطابق اساسنامه دانشگاه‌های تحول محور که در مراجع ذیصلاح تصویب می‌گردد، اقدام کنند. چگونگی این اساسنامه نیازمند بررسی‌های جداگانه می‌باشد، اما روح حاکم بر آن اختیارات گسترده در چارچوب اهداف کلی وزارت علوم (و نه اهداف جزئی و اهداف عملیاتی) می‌باشد. این تصمیم استراتژیک می‌تواند به طور همزمان ده‌ها پروژه‌های تحقیقاتی و مطالعات موردی را در دانشگاه‌های مختلفی که از لحاظ اهداف غایی با نظام آموزش و پرورش هماهنگ و در نوع اجرا با رویکردهای مختلف عمل می‌کنند، فراهم کند. مشاهده و پیگیری دستاوردهای این دانشگاه‌ها و الگوپردازی هوشمند از نمونه‌های برتر توسط دانشگاه‌های ضعیفتر، خود می‌تواند زمینه‌های نوعی پویایی همه جانبه و رخداد

توانمندی خرد جمعی^{۱۲} برای پایه‌ریزی سیستم بهینه دانشگاه‌های کشور را در دهه های آتی فراهم آورد. در واقع این امر اجازه تجربه همزمان برنامه های تحول گوناگون (که لازم است علمی و اسلامی بودن آن اثبات شود) را صادر کرده، وزارت علوم را قادر می‌سازد در مدت کوتاهی دانش سازمانی فراوانی را گردآوری کند.

جمع‌بندی:

بررسی سیر تحولات رخ داده در سه دهه بعد از انقلاب در خصوص فعالیت‌های بخش‌های مختلف برای دستیابی به دانشگاه اسلامی نشان از ضعف‌های بنیادی در این خصوص دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که در سه دهه پس از انقلاب اسلامی دستگاه‌های مختلفی فعالیت‌هایی را در این مورد داشته‌اند که متأسفانه توفیق زیادی در این زمینه کسب نکرده‌اند. برای اثربخشی فعالیت‌ها و استقرار دانشگاه اسلامی با چهار بعد محتوا، نیروی انسانی، فرایندها و محیط فیزیکی و کالبدی باید در سه محور که شامل: مدیریتی، فرهنگی و الگوسازی مورد توجه قرار گیرد که با تلفیق این دو رویکرد در حقیقت ماتریس زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

ابعاد					
م	ت	ف	ز	م	
م	ت	ف	ز	م	
				مدیریتی	راه‌کار
				فرهنگی	
				الگوسازی	

در نهایت مطلوب این است که هر سه راه‌کار بیان‌شده در فوق همزمان اجرا شده و از نتایج همدیگر بهره‌مند می‌شوند، به نحوی که فرهنگ‌سازی این امر در سطح کشور، انگیزه متولیان رویکرد دوم و سوم را افزایش داده و متقابلاً نتایج حاصل شده از تحقیقات دولتی و دستاوردهای دانشگاه‌های مستقل تحول‌محور در زمینه‌های مورد بررسی، مورد استفاده برای فرهنگ‌سازی مناسب و ورود تولیدات حاصل شده از نتایج تحقیقات به بازار مصرف

¹²- Collective wisdom

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

می‌گردد. اما با توجه به اینکه دولت معمولاً به رویکرد سوم بی‌اعتناست به آن باید بیش از پیش توجه شود.

منابع:

- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۸). مدیریت عمومی. تهران. نشر نی.
- ایروانی، شهین. (۱۳۸۹). سهم فیلسوفان آموزش و پرورش در اصلاحات آموزشی. اولین همایش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- پروند، محمد حسن. (۱۳۸۵). مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی. تهران. انتشارات: شیوه.
- توفیقی، جعفر و همکاران. (۱۳۸۳). دانشگاه و مسأله اسلامی شدن. دایرة المعارف آموزش عالی. تهران. انتشارات: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- حقیقت، سیدصادق. (۱۳۹۰). اسلامی‌سازی و بومی‌سازی. نشریه مهرنامه. شماره ۱۷. آذرماه. برگرفته از پایگاه نویسنده <http://s-haghighat.ir> مراجعه: ۱۳۹۰/۱۱/۸.
- خان محمدی، کریم. (۱۳۸۵). بررسی فرایند اسلامی کردن دانشگاهها در ایران. فصلنامه دانشگاه اسلامی. شماره ۳۱ و ۳۲.
- دژآکام، علی. (۱۳۸۲). برداشتهای گوناگون از دانشگاه اسلامی. فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۱۷؛ صص ۴۹-۶۲.
- روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۵). بیست سال تلاش در مسیر تحقق انقلاب فرهنگی. تهران: دانش‌پرور.
- روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. (۱۳۸۳). دانشگاه اسلامی، رسالتها، اصول و راهبردها. تهران: دفتر نشر معارف با مشارکت دبیرخانه شورای اسلامی شدن دانشگاهها و مراکز آموزشی.
- پایگاه جهاد دانشگاهی. به آدرس اینترنتی: <http://www.acecr.net> مراجعه ۱۳۸۹/۹/۱۵.
- پایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی به آدرس اینترنتی: <http://www.iranculture.org> مراجعه ۱۳۹۰/۴/۲۳.
- سلیمی، مصطفی. (۱۳۷۹). طرح تحقیق به سوی دانشگاه اسلامی، فصلنامه‌ی دانشگاه اسلامی، سال اول، ش ۳.
- صحیفه نور. موسسه نشر آثار نشر امام خمینی (ره). نرم افزار صحیفه امام.

سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاسیم و نظریه های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: به سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

صفایی مقدم، مسعود. (۱۳۸۰). دانشگاه اسلامی: آموزش علوم و تربیت اسلامی. دایره المعارف

آموزش عالی.

عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۷). دانشگاه و نوآوری؛ کارکرد و آسیب شناسی. فصلنامه دانشگاه اسلامی. شماره ۴۰؛ صص ۴۲-۲۳.

علاقه بند، علی. (۱۳۸۲). مدیریت آموزشی. تهران: نشر روان.

علم الهدی، سیداحمد. (۱۳۸۲). گفتگوی علمی پیرامون اسلامی شدن دانشگاه ها؛ فصلنامه دانشگاه اسلامی. شماره ۱۷؛ صص ۲۹-۲۱.

علی احمدی، حسین. (۱۳۸۱). مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی. فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۱۴؛ صص ۳۸-۲۳.

قره شیخ بیات، هادی. (۱۳۸۸). علم اسلامی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی. سایت باشگاه اندیشه به آدرس <http://bashgah.net/fa/content/show/39130> مراجعه: ۹۰/۱۱/۹.

گروه نویسندگان. (۱۳۷۲). آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. جلد اول. تهران: انتشارات سمت.

مروتی، سهراب. (۱۳۷۶). از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی. فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۳.

لوی، الف. (۱۳۸۰). برنامه ریزی درسی. ترجمه فریده مشایخ. انتشارات مدرسه.

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱). پیش درآمدهای مدیریت اسلامی. قم: موسسه پژوهشی امام خمینی (ره).

مصدق، هادی. (۱۳۸۶). سوگنامه دانشگاه اسلامی. به نقل از www.rajanews.com. مراجعه: ۸۹/۱/۲۵.

مقیسه، حسین. (۱۳۸۴). موانع اسلامی شدن دانشگاه ها. فصلنامه دانشگاه اسلامی، شماره ۲۷، صص ۱۰۱-۸۹.

میرکمالی، محمد. (۱۳۸۱). مدیریت منابع انسانی. تهران: انتشارات یسطرون.

نقیب زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۸۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.